



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - اشکالات مشترک به ادله خبر واحد - مصادف با: ۲ ذی القعدة ۱۴۴۶

- اشکال اول - پاسخ اول - پاسخ دوم - پاسخ سوم - شرح رساله حقوق - حق اول نماز: شناخت حقیقت نماز

جلسه: ۱۰۵

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اشکالات مشترک به ادله خبر واحد

ادله حجیت خبر واحد که پنج دلیل بودند، مورد بررسی قرار گرفت و اشکالات اختصاصی هر یک از آنها بیان شد. همانطور که قبلاً هم اشاره کرده بودیم و دیروز نیز یادآور شدیم، این ادله علاوه بر اشکالات اختصاصی که متوجه آنها شده است، مبتلا به اشکالات مشترک نیز هستند و اشکالاتی به نحو مشترک بر همه این ادله وارد است. اینکه عرض می‌کنیم مشترک، ممکن است بعضی از این اشکالات به همه دلایل پنج‌گانه برنگردد، اما قدر مسلم این است که این اشکالات به بیش از یک دلیل وارد می‌شوند. این اشکالات را نیز بررسی می‌کنیم و انشاءالله از بحث ادله خارج شویم. بعد از آن، بحث بسیار مهمی داریم و آن هم قلمرو حجیت خبر واحد است که بحث بسیار مهمی است. زیرا از جهات مختلف در مورد حجیت خبر واحد اختلاف وجود دارد که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد.

اشکال اول

اگر ما ادله حجیت خبر واحد را تمام بدانیم و بگوییم مقتضای این ادله آن است که اخبار آحاد مطلقاً حجیت دارند، این قطعاً شامل خبر کسی مثل سید مرتضی نیز می‌شود. بالاخره سید مرتضی هم وقتی ادعایی می‌کند یا خبری می‌دهد، این نیز باید به مقتضای ادله حجیت خبر واحد، حجت شود. خبری که سید مرتضی نقل کرده است، این است که امامیه بر عدم حجیت خبر واحد اجماع دارند. پس وقتی شما می‌گویید ادله حجیت خبر واحد همه اخبار آحاد را حجت می‌کنند، یکی از این اخبار آحاد هم خبر سید مرتضی است که گفته علمای شیعه بر عدم حجیت خبر واحد اجماع دارند. اگر قرار باشد خبر سید مرتضی نیز حجت شود، این دو تالی فاسد به وجود می‌آید. دو مشکل اساسی در اینجا پدیدار می‌شود:

تالی فاسد اول این است که تخصیص اکثر لازم می‌آید و آن هم به شکل بسیار مستهجن. زیرا نتیجه شمول ادله حجیت خبر واحد نسبت به خبر سید مرتضی این است که هیچ خبری و هیچ روایتی، به جز خبر خود سید مرتضی، حجت نباشد. این تخصیص اکثر است. چون ما این همه دلیل اقامه کردیم و این همه بحث کردیم که خبر واحد را حجت کنیم، و بعد نتیجه آن این شود که تنها یک خبر حجت باشد و بقیه اخبار آحاد از حجیت ساقط شوند و بی اعتبار شوند. زیرا خبر سید مرتضی این است که علمای شیعه اجماع دارند بر عدم حجیت خبر واحد. پس هر چه خبر است باید بگذاریم کنار.

تالی فاسد دیگر این است که از این امر محال لازم می‌آید. یعنی از حجیت خبر واحد، عدم حجیت خبر واحد لازم می‌آید این یک مسئله غیرقابل قبول است که شارع و عقل دلایلی دارند برای حجیت خبر واحد. اما نتیجه این دلایل عدم حجیت خبر واحد باشد. این در واقع یعنی مستدل کاری می‌کند که نقیض آن به دست آید و این محال است و نمی‌توانیم به آن ملتزم شویم. خلاصه اینکه یلزم من حجیة خبر الواحد عدم حجیته؛ از وجودش عدمش لازم می‌آید. این اولین اشکالی است که به همه ادله وارد شده است.

بررسی اشکال اول

نسبت به این اشکال چند جواب داده شده است:

پاسخ اول

ادله حجیت خبر واحد شامل خبر سید مرتضی نمی‌شود، چون بر طبق ادله حجیت خبر واحد، اخبار عن حس حجیت دارد. مثلاً کسی می‌گوید: من شنیدم فلانی این را گفت ثقه هم هست یا دیدم این اتفاق افتاد. اخباری که از روی حس نقل شده باشند، حجیت دارند. اما خبر سید مرتضی خبر عن حس نیست، بلکه عن حدس است. چون سید مرتضی می‌گوید: علمای شیعه اجماع دارند بر عدم حجیت خبر و این در واقع از اتفاق نظر علما یا یک جمعی از علما، موافقت معصوم را حدس می‌زنند. ولو این حدس یک حدس قطعی است، اما اخبار عن حس نیست. این اشکال اول است.

پاسخ دوم

ادله حجیت خبر واحد، ناظر به اعتبار اخبار و حجیت آنهاست لولا معارضه. یعنی ادله حجیت خبر واحد اقتضا می‌کند که هر خبری که توسط ثقه نقل شود، معتبر است. حال این ممکن است با یک خبر دیگری از جنس خودش معارض باشد. مسلم است که مقتضای ادله حجیت خبر واحد این نیست که دو خبر متعارض هر دو حجت باشند، بلکه این با قطع نظر از معارضه است؛ یعنی این خودش باشد و خودش، بدون اینکه در مقابل، خبر دیگری آن را نفی نکرده باشد، حجت است. آن خبر معارض هم همینطور. بله، اینها وقتی با هم تعارض پیدا می‌کنند، آن وقت می‌گوییم نمی‌تواند هر دو حجت باشند. انسان علم اجمالی پیدا می‌کند به عدم حجیت یکی از این دو، به کذب بودن یکی از این دو خبر. اینجا هم همین‌طور است. ادله حجیت خبر واحد می‌گوید خبر سید مرتضی فی نفسه حجت است؛ سایر اخبار فی نفسه هم حجت هستند. اما مسئله معارضه ارتباطی به ادله حجیت خبر واحد ندارد.

پس پاسخ دوم بر فرض شمول ادله حجیت خبر واحد نسبت به خبر سید مرتضی است. در پاسخ اول گفتیم اصلاً ادله حجیت خبر واحد شامل خبر سید مرتضی نمی‌شود. در پاسخ دوم می‌گوییم بر فرض که این ادله شامل خبر سید مرتضی هم شود، لکن این با قطع نظر از فرض معارضه است و نمی‌خواهد هر دو را بالفعل حجت بکند. یعنی این بدون معارضه فی نفسه حجت است.

پاسخ سوم

ادله حجیت خبر واحد اگر به نحو مطلق باشد و اطلاق آن ثابت شود، شامل خبر سید مرتضی هم می‌شود. اگر ما گفتیم مثلاً ادله حجیت خبر واحد به نحو عام یا مطلق اقتضاء می‌کند که هر خبر واحدی اگر از ثقه نقل شده باشد، حجت است، این قهراً عموم یا اطلاقی شامل خبر سید مرتضی هم می‌شود. اما اگر ما به این اطلاق بخواهیم نگاه کنیم، جای تالی فاسد دوم است که یلزم من وجوده العدم، وقتی ما به نحو مطلق می‌گوییم هر خبر ثقه‌ای حجت است و این شامل خبر سید مرتضی هم می‌شود، قهراً آن تالی

فاسد پیش می‌آید، یعنی يلزم من وجوده العدم. اما اگر ما با اطلاقش کار نداشته باشیم و بگوییم ادله حجیت خبر واحد اصل خبر واحد را حجت می‌کند، اما اینکه دامنه و دایره حجیت تا کجاست، این از این ادله استفاده نمی‌شود.

شرح رساله حقوق

حق اول نماز: شناخت حقیقت نماز

عرض کردیم اولین حق از حقوق نماز این است که انسان حقیقت نماز را بشناسد. معرفت نماز و پی بردن به راز و رمز نماز، اولین حقی است که نماز بر گردن ما دارد. ما تا جایی که می‌توانیم باید نماز را بشناسیم و حقیقت آن را کشف کنیم.

جلسه گذشته عرض کردیم نماز یک ظاهری دارد و یک باطنی. یک توضیحی درباره ظاهر و باطن نماز دادیم. گفتیم برای نماز در عبارات و کلمات اوصافی ذکر شده است. که به چند عنوان و وصف که در کلمات بزرگانی مثل امام خمینی (رحمة الله علیه) درباره نماز ذکر شده، اشاره می‌کنم. این تعبیر بسیار زیبا هستند. برای نماز عنوان عمود به کار رفته است. اینکه نماز نسخه جامعه الهی برای انسان است، یک نسخه جامعه و کامل، مثل دکتری که برای سلامتی یک شخص یک نسخه کامل بنویسد که اگر به آن نسخه عمل کند، هیچ‌گاه مریض نمی‌شود. نماز یک نسخه‌ای است کامل و دربر گیرنده هر چیزی که می‌تواند انسان را به سعادت برساند. این تعبیر ایشان است که نماز در بین عبادات و مناسک الهی جامعیت و عمودیت دارد.

اینکه نسخه جامعه است یعنی نسخه‌ای است که پروردگار برای رهایی جان قدسی انسان از قفس طبیعت تجویز کرده است و این نشان می‌دهد که حقیقت این عبادت الهی و نسخه جامعه که برای خلاصی این طایفه‌های قدسی از قفس تنگنای طبیعت به کشف تام محمدی ترتیب داده شده و به قلب مقدسشان نازل گردیده است. یا می‌گوید: نماز یکی از ترکیبات قدسیه است که به ید جمال و ید جلال الهی فراهم شده است.

بالاخر از اینها، این تعبیر را به کار بردند که توحید به معنای واقعی آن که مقصد اصلی دعوت پیامبران است، در نماز محقق می‌شود. یک روایتی از پیامبر وارد شده است که همین معنا را می‌رساند: «لأن الصلوة تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر و تمجید و تقدیس و قول و دعوة». نماز هم تسبیح است، هم تهلیل، هم ستایش، هم تکبیر، هم تقدیس، هم قول، هم دعوت و خواستن است. چیز کمی نیست. نماز وسیله و مرکب سیر الهی و تعالی انسان است.

این روایت را نقل کردم می‌فرماید: «الصلوة عمود دینکم فان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها». این یعنی چه؟ گاهی یک برداشت ظاهری از این روایت می‌کنند. می‌گویند اگر این نماز قبول شد و خدا پذیرفت، همه اعمال دیگر هم پذیرفته می‌شود؛ «وان ردت رد ما سواها» این معنایش این نیست که آنجا یک دفتری هست و می‌گویند: اگر این نمازش صحیح بود و اجزاء و شرایط داشت قبول می‌شود و بقیه هم کذلک، نه، این روایت می‌خواهد بگوید نماز که درست شد، بقیه اعمال هم درست می‌شود. عبارتی که امام خمینی (رحمة الله علیه) یا مضمونی که ایشان در این رابطه دارد، این است که در واقع نماز واقعی یک ارتباطی با انسانیت دارد. نماز واقعی انسانیت انسان را شکوفا می‌کند. نماز یک اجزایی دارد که اینها از نظر فقهی می‌تواند متصف به وصف صحت شود. یعنی قیام و همه اجزاء و شرایط، اگر صورت بگیرد، این نماز از نظر فقهی می‌شود صحیح اما آن نمازی که انسان را به اوج و معراج ببرد، آن نمازی که کمال انسانیت را در انسان شکوفا بکند، آن نماز آنچنان در انسان اثر می‌گذارد که سایر اعمال را نه تنها انجام می‌دهد، بلکه به بهترین وجه انجام می‌دهد، این که فرمودند: نماز اگر قبول شود، بقیه اعمال قبول می‌شود، نمی‌خواهد صرف یک

قرارداد را بیان بکند و بگوید: ایها الناس، ما به شما اعلام می‌کنیم اگر نمازتان را قبول کردیم، بقیه را هر جوری باشد، قبول می‌کنیم. نه، اینجا دارد از اثر و نماز می‌گوید. می‌گوید آن نمازی که قبول شود، آن نمازی که اثر داشته باشد، آن نمازی که معراج مومن باشد، باعث می‌شود تمام اعمال به بهترین وجه انجام شوند. یعنی صوم و حج و جهاد و زکات و ... وقتی به بهترین وجه واقع می‌شوند که نماز به بهترین وجه واقع شده باشد. چون نماز به تعبیر عرفا، سفر الی الله و فی الله و من الله است. نماز مشتمل بر همه اسفار سالک الی الله است. همه آنچه را که سالک الی الله در سیر خودش به آن نیازمند است، در نماز می‌تواند داشته باشد. واقعاً گاهی آدم این‌ها را که می‌خواند اصلاً خجالت می‌کشد از نمازخواندن خودش. نمازهای ما این‌گونه‌اند؟ واقعاً نمازهای ما، ما را بر براق سیر سوار می‌کند و حرکت می‌دهد؟ آنچه ما انجام می‌دهیم صرفاً صورت نماز دارد و از حقیقت و باطن نماز فاصله دارد.

نماز سرمایه سعادت عالم آخرت است و آنچه که به وسیله آن می‌توان در روزگار غیرمتناهی زندگی کرد، نماز است. این‌ها را که آدم می‌شنود می‌فهمد که چرا اهل بیت، ائمه معصومین (علیهم السلام) انقدر به نماز اشتیاق داشتند و وقتی به نماز می‌ایستادند، همه وجودشان متغیر می‌شد؛ چه رنگ رخساره، چه حرکات و سکانات. اینکه توحید واقعی در نماز تحقق پیدا می‌کند، این معلوم است چه نمازی می‌تواند نشان‌دهنده توحید واقعی باشد، مطلب درباره نماز فراوان است، اما آنچه لازم بود درباره حقیقت نماز گفته شود، مطرح شد.

در پایان این بخش، یک نکته را اشاره می‌کنم که این هم نکته‌ای لطیف و قابل استفاده است. من واقعاً توصیه می‌کنم این دو کتاب امام (رحمة الله علیه) درباره نماز را کنار دستتان باشند. نمی‌خواهد از اول تا آخر را یک دفعه بخوانید، یک صفحه از آن را هر شب مطالعه کنید) بعضی منحرفین گمان می‌کنند نماز برای وصال است. انسان که وصال پیدا کرد، دیگر نماز نمی‌خواهد بخواند، یک عده‌ای از منحرفین از این حرف‌ها می‌زنند. ایشان می‌گویند: اگر غیر از این اوضاع و احوال که برای حضرت مجذوب حقیقی و واصل واقعی، جناب رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) در این مکاشفه روحانیه و عاشقه حبیبانه دست داد، حال دیگری دست دهد یا وضع دیگری حاصل آید، از تصرفات شیطان است و سالک را در سلوک، انانیت و خودی و خودیت بقایایی مانده و باید به علاج خود کوشد و طریق ضلالت را رها کند. پس آن نمازی که بعضی به عرفاً نسبت دهند که نماز سکوت گوید، بر فرض صحت نسبت، از جهل آن کسی است که این معجون بی معنا را درست کرده است. فی الجمله، کشفی اتم از کشف نبی ختمی (صلی الله علیه و آله) و سلوکی اصح و اصوب از آن نخواهد بود. پس ترکیبات بی حاصل دیگر را که از مغزهای بی‌خرد مدعیان ارشاد و عرفان است، باید رها کرد.

ممکن است کسی بگوید: من حالاتی برایم پیدا می‌شود. کشف و شهود دارم. یک مکاشفاتی برای من رخ می‌دهد به خاطر برخی ریاضت‌ها. ولی این تصرفات شیطان است. نه آن مکاشفه‌ای که باید برای انسان حاصل شود. فرق بین این دو را باید توجه کرد. به هر حال، حقیقت نماز را باید بشناسیم. این اولین حقی است که نماز به گردن ما دارد.

«الحمد لله رب العالمین»